اساساً به یک ایده مولود در ایران نمی انجامد. کما اینکه در چند سال گذشته نیز اثربخشی خاصی از این منظر برای پرونده های پلتفرم ها مترتب نشده است و تنظیم گری پلتفرم های دیجیتال همواره حالتی غیرقابل پیش بینی به خود گرفته است. با این پیشینه، می توان چالش ها و البته پاسخ های بعضاً ایجابی را در موضوع مسئولیت پلتفرمی در ایران حول محورهایی که در ادامه می آید مورد نقد قرار داد.

پلتفرم های ایرانی و قوانین قدیمی و تکه پاره

پلتفرم های دیجیتال ایرانی فارغ از انواع مواجهات خود با بازیگران ناظر و یا بازیگران قضایی، در حوزه مسئولیت پلتفرمی به دلیل ابهام نظام مسئولیت پلتفرمی و یا عدم استناد به برخی اسناد موجود، عموماً تجربه ای غیرقابل پیش بینی و غیرقابل تطبیق با مثال های تطبیقی یادشده داشته اند. پرونده پلتفرم دیوار با موضوع محتوای متخلفانه، دو پرونده پلتفرم آپارات با موضوع محتوای متخلفانه و محتوای تحت مالکیت صداوسیما و نیز چندین سابقه ورود دادستانی به حوزه مسئولیت پلتفرم ها در قالب های مختلف، بخشی از این تجربه است.

هرچند براساس ماده ۱۰ سند سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی مصوب شورای عالی فضای مجازی مسئولیت انتشار محتوا در پیام رسان های اجتماعی برعهده کاربر قرار داده شده است، اما در مورد انواع پلتفرم های فعال در اکوسیستم دیجیتال ایران، بنا بر موارد موجود، این اصل مبنای اولیه برای استناد نیست. براساس موارد گذشته، مواجهه با پلتفرم ها براساس نوع استناد به قوانین این گونه بوده است:

- براساس قوانین عمومی؛ همچون بخش های عمومی قانون مجازات اسلامی در مورد جرم های عمومی مانند استناد به موضوع اشاعه فحشا یا افترا
- براساس قوانین قدیم که نمی توانند موضوع شکایت باشند؛ همچون استناد مداوم به قانون جرایم رایانه ای در برابر مسائل روزآمد پلتفرم های دیجیتال
- براساس قوانین نامرتبط؛ همچون قانون مطبوعات

به جز موارد فوق و برخی مصوبات کلی شورای عالی فضای مجازی، در باب مسئولیت پلتفرم ها و به طور کلی تنظیم گری پلتفرم های دیجیتال سند قانونی مشخصی وجود ندارد و عموماً پلتفرم ها و مقام قضایی به استفاده غیرمستقیم از اسناد قانونی روی می آورند. سند در دست ویرایش «چهارچوب تنظیم گری سکوهای فضای مجازی کشور» در شورای عالی فضای مجازی نیز به موضوعات عملیاتی پلتفرم های دیجیتال اشاره‌ای کلی دارد و جزییات آن را به بعد موکول می کند.

مسأله مهم دیگر که نتیجه این وضعیت است، مبهم ماندن تنظیم رابطه حاکمیت و بخش خصوصی است. نوع تبادل داده میان صنعت و حاکمیت و حدود آن، حدود ورود حاکمیت به مسائل این حوزه، ارائه خدمت ازسوی حاکمیت و بسیاری مباحث دیگر همگی براثر این چالش، مسکوت می مانند.

اولویت برخورد قضایی و انتظامی به جای تنظیم گری پلتفرم های دیجیتال

به جز مواردی چون پلتفرم های موضوع تنظیم گری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچون پلتفرم های نشر دیجیتال و یا پلتفرم های صوتی-تصویری موضوع تنظیم گری ساترا و یا در برخی موارد پلتفرم های حمل و نقل، تقریباً در باقی حوزه های پلتفرمی، بازیگر مداخله کننده مستقیماً بازیگر قضایی یا انتظامی است؛ هرچند در موارد یادشده نیز این نوع ورود متداول است. این اولویت ورود قضایی و انتظامی چهار آسیب مشخص به دنبال داشته است:

گیرافتادن مسئله کسب و کارهای پلتفرمی در ایران در دام مسائل یادشده چه ازسوی حاکمیت و چه ازسوی خود بازار، دوری باطل را به وجود می آورد که باعث عدم بلوغ این دسته از کسب و کارها در برخی حوزه ها می شود